

اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال هفتم، شماره ۳۰، تابستان ۱۳۷۹

بررسی تأثیر اقتصادی سیستم زهکشی بر بهره‌وری عوامل تولید خرما مطالعه موردی استان بوشهر

دکتر امیرحسین چیدری، سید عمادالدین صادقی*

چکیده

خرما، یکی از مهمترین محصولات باغی و خشکبار ایران، بویژه استان بوشهر (دشتستان) به شمار می‌آید که از وسعت کشت و تولید در خور توجهی نیز برخوردار است. به دلیل بالا بودن اهمیت تولید، سطح زیرکشت و اشتغالزایی این محصول، ضرورت انجام مطالعه و پژوهش نیز در این زمینه روشن می‌شود. هدف از انجام این پژوهش، بررسی اقتصادی آثار سیستم زهکشی بر بهره‌وری عوامل تولید محصول خرماست که برای دستیابی به آن، ۱۳۷ پرسشنامه به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای دو مرحله‌ای تکمیل شد. بر همین اساس تمام باغداران به دو گروه دارای

* به ترتیب: عضو هیئت علمی گروه اقتصاد کشاورزی و دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد کشاورزی دانشگاه تربیت مدرس

سیستم زهکشی (گروه اول) و بدون سیستم زهکشی (گروه دوم) تقسیم شدند. همچنین از روش برآورد تابع تولید، به کمک حداقل مربعات معمولی اصلاح شده (Cols)، استفاده شد.

نتایج مطالعه نشان می‌دهد که میانگین بهره‌وری متوسط و نهایی عوامل تولید در گروه اول نسبت به گروه دوم بیشتر است. نتایج مربوط به سیستم زهکشی نیز نشان می‌دهد که این سیستم به عنوان نوعی فن آوری، بر روی تولید اثر مثبت دارد به طوری که باعث تغییر عرض از مبدأ و شیب تابع تولید می‌شود. همچنین اختلاف بهره‌وری در هکتار میان دو گروه، با بهره‌گیری از مدل تجزیه کل، ۲۵/۷۹ درصد برآورد شد که نزدیک به ۲۴ درصد آن برخاسته از سیستم زهکشی (تغییر فن آوری) و ۱/۷۹ درصد باقیانده نیز مربوط به نهاده‌های تولید است.

مقدمه و طرح مسئله

با پیشرفت‌های گسترده علوم و فن آوری در جهان امروز، شناسایی منابع تولیدی و تسلط بر بهره‌برداری از آنها را باید یکی از عوامل عمده به دست آمدن موفقیت در راستای توسعه اقتصادی به شمار آورد به طوری که می‌توان گفت شکوفایی سیاسی و خودبسندگی اقتصادی هر ملت، به چگونگی بهره‌برداری و استفاده از تمام امکانات، توانمندیها و استعدادهای مادی و معنوی جامعه بستگی دارد.

نگرشی به وضعیت کشاورزی کشورهای در حال توسعه گویای این واقعیت است که نبود شناخت کافی از امکانات و منابع تولیدی و پایین بودن بهره‌وری و کارایی عوامل تولید کشاورزی، باعث تحقق نیافتن هدفهای توسعه کشاورزی در این گونه کشورها شده است.

در بخش کشاورزی ایران نیز، محصول خرما، با توجه به ویژگیهای تغذیه‌ای و پتانسیل ارزش آوری آن، محصولی با ارزش در بازارهای داخلی و جهانی به شمار می‌آید که بررسی بهره‌وری عوامل تولید آن نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

بر اساس گزارش سازمان خواروبار کشاورزی سازمان ملل متحد، تولید خرمای ایران در سال ۱۹۹۵ میلادی به ۸۰۷ هزار تن رسید که برابر ۱۸/۷ درصد تولید جهانی (به میزان ۳/۴

میلیون تن) بوده است (۱). همچنین در همین سال نزدیک به ۶۱ هزار تن از کل صادرات ۳۰۷ هزار تنی کشورهای خرماخیز جهان را ایران در اختیار داشته است که از این نظر در جایگاه بزرگترین صادرکننده خرماي جهان قرار می‌گیرد (۱).

با توجه به اینکه ایران یکی از کشورهای عمده تولیدکننده و صادرکننده خرما در جهان است و به دلیل مزیت نسبی و اهمیتی که این محصول در استان بوشهر (شهرستان دشتستان) از نظر تولید، سطح زیر کشت و اشتغالزایی دارد و همچنین به سبب اهمیت زهکشی زمینهای باغهای خرما در منطقه می‌توان گفت که بررسی اقتصادی محصول یاد شده نقش مهمی در شکوفایی اقتصاد کشاورزی کشور ایفا می‌کند.

در این پژوهش با اعتقاد به اینکه سیستم زهکشی در منطقه مورد مطالعه باعث افزایش تولید محصول خرما می‌شود و بهره‌وری عوامل تولید را نیز افزایش می‌دهد؛ تلاش بر آن بوده است تا آثار اقتصادی این سیستم بر بهره‌وری نهاده‌ها و تولید خرما بررسی شود.

منطقه مورد مطالعه

شهرستان دشتستان، با گستره‌ای برابر ۶۱۵۰ کیلومترمربع، نزدیک به ۲۴/۳ درصد کل مساحت استان بوشهر را در برمی‌گیرد (۳). در سال ۱۳۷۵ مجموع سطح زیرکشت شهرستان دشتستان برابر ۸۵۸۶۲ هکتار بوده است که نزدیک به ۳۸ درصد از کل سطح زیرکشت استان بوشهر را در بر می‌گیرد. از این میزان ۶۳۸۸۸ هکتار مربوط به محصولات زراعی و ۲۱۹۷۴ هکتار مربوط به محصولات دائمی است. در میان محصولات دائمی نیز، خرما با سطح زیرکشتی برابر ۲۰۹۶۶ هکتار، ۷۵ درصد از سطح زیر کشت خرما در استان بوشهر و نزدیک به ۱۰ درصد از کل مساحت زیرکشت خرماي کشور را به خود اختصاص داده است (۳). همچنین این منطقه با عملکرد سالیانه بیش از ۸۴ هزار تن محصول، حدود ۷۷ درصد تولید خرما در استان بوشهر و نزدیک به ۱۴ درصد تولید خرماي کشور در سال ۱۳۷۵ را در برداشته است (۱). در منطقه یاد شده برای مبارزه با شرایط با تلاق و زهدار زمینهای دشت، طرح زهکشی به منظور ساخت



زهکشهای روباز و زیرزمینی از سوی اداره کل مهندسی زراعی در چند سال انجام گرفته است. هدف از این کار، از میان بردن باتلاقها و بیرون کردن زه آب برگرفته از آبیاری و شستشوی مورد نیاز خاک برای جلوگیری از شوری و قلیایی شدن زمینهاست.

هدفهای تحقیق

یکی از هدفهای مهم اقتصاد کشاورزی، فراهم کردن مواد غذایی مورد نیاز جامعه است. دستیابی به این هدف جدای از افزایش سطح زیرکشت محصولات کشاورزی، می تواند از راه افزایش عملکرد در هکتار در نتیجه بهره برداری درست و بهینه عوامل تولیدی نیز انجام گیرد (افزایش دادن بهره وری عوامل تولید). پژوهش حاضر نیز در همین راستا، تأثیر سیستم زهکشی را بر بهره وری نهاده ها و تولید خرما در چارچوب هدفهای زیر بررسی کرده است:

۱. بررسی آثار اقتصادی سیستم زهکشی بر تولید خرما

۲. محاسبه بهره وری متوسط و نهایی عوامل تولید

۳. بررسی تأثیر نهاده های تولید بر اختلاف بهره وری

روش تحقیق

پس از بررسی مطالعات مقدماتی، داده های مورد نیاز این پژوهش با بهره گیری از روش نمونه گیری خوشه ای دو مرحله ای^۱ از دو گروه بهره بردارهای دارای سیستم زهکشی (گروه اول) و بدون سیستم زهکشی (گروه دوم) گردآوری شد. در ضمن، مصاحبه و تکمیل پرسشنامه نیز با ۱۳۷ باغدار خرما در شهرستان دشتستان استان بوشهر انجام گرفت. روایی و اعتبار پرسشنامه نیز از راه پیش آزمون انجام شد. همچنین یادآور می شود اطلاعات گردآوری شده مربوط به سال ۱۳۷۶ است.

در این بررسی برای ارزیابی اقتصادی سیستم زهکشی بر بهره وری نهاده ها و تفکیک

1. Two-Stage Cluster Sampling

تفاوت بهره‌وری کل دو گروه بهره‌بردارها، از تحلیل توابع و مدل تجزیه استفاده شده است.

تابع تولید مورد استفاده، به شکل کاب-داگلاس^۲ و به صورت زیر است:

$$\text{Lny} = \beta_0 + \beta_1 \text{Ln}x_1 + \beta_2 \text{Ln}x_2 + \beta_3 \text{Ln}x_3 + \dots + \beta_6 \text{Ln}x_6 + u$$

در تابع یاد شده: y مقدار تولید خرما (تن) است و x_1 سطح زیرکشت (هکتار)، x_2 مقدار کودشیمیایی (کیلوگرم)، x_3 مقدار کود حیوانی (تن)، x_4 تعداد دور آبیاری، x_5 هزینه نیروی کار (هزار ریال)، x_6 هزینه ماشین‌افزار (هزار ریال)، β_1 تا β_6 ضرایب مربوط به متغیرها (که در واقع کشش تولید عوامل تولید است) و u جمله اختلال است.

برای محاسبه بهره‌وری متوسط^۳ و بهره‌وری نهایی^۴ در تابع کاب-داگلاس از روابط زیر استفاده شده است (۴):

$$\text{AP}x_{ij} = \frac{y_i}{x_{ij}} \quad x_{ij} > 0 \quad \text{MP}x_{ij} = \beta_i \frac{y_i}{x_{ij}} \quad x_{ij} > 0$$

در فرمولهای بالا، $\text{AP}x_{ij}$ و $\text{MP}x_{ij}$ به ترتیب بهره‌وری متوسط و نهایی نام مربوط به بهره‌بردار i ام است، و y_i میزان ستانده بهره‌بردار i ام، x_{ij} میزان استفاده بهره‌بردار i ام از نهاد j ام، و β_i کشش هر یک از نهاده‌های تولید است.

برای تفکیک تفاوت بهره‌وری کل (که برگرفته از به کارگیری سیستم زهکشی میان دو گروه و یا به علت اختلاف در میزان بهره‌برداری از نهاده‌های تولید است) از مدل تجزیه بی‌زالیا^۵ استفاده شده است (۵). برای این منظور لازم است که توابع تولید به واحد سطح (هکتار) تبدیل شوند؛ از این رو تابع تولید کاب-داگلاس به واحد سطح تبدیل و مدلهای زیر نیز برای هر یک از گروه‌های دوگانه برآورد می‌شود:

$$\text{Lny}_m = \text{Ln}\alpha_0 + \alpha_1 \text{Ln}X_{1m} + \alpha_2 \text{Ln}X_{2m} + \dots + \alpha_6 \text{Ln}X_{5m} + e_m \quad (1)$$

$$\text{Lny}_t = \text{Ln}\beta_0 + \beta_1 \text{Ln}X_{1t} + \beta_2 \text{Ln}X_{2t} + \dots + \beta_6 \text{Ln}X_{5t} + e_t \quad (2)$$

1. Decomposition Model

2. Cobb-Dauglas

3. Average Productivity (AP)

4. Marginal Productivity (MP)

5. Bisaliah

در مدلهای یاد شده؛ y میزان تولید است و X_1 تا X_5 نیز به ترتیب: مقدار شیمیایی (کیلوگرم)، مقدار کود حیوانی (تن)، تعداد دور آبیاری، هزینه نیروی کار (هزار ریال) و هزینه ماشین‌افزار (هزار ریال) است.

همچنین α_0 و β_0 جمله ثابت تابع تولید، α_1 تا α_n و β_1 تا β_n ضرایب مربوط به نهاده‌های تولید و e متغیر تصاعدی است.

در مدلهای یاد شده از حروف m و t نیز به ترتیب برای نشان دادن گروه دارای سیستم زهکشی و گروه بدون سیستم زهکشی، به عنوان فن آوری نوین و فن آوری سنتی، استفاده شده است.

مدل تجزیه عبارت است از: تفاوت مدلهای (۱) و (۲) که به صورت زیر نشان داده می‌شود (۶):

$$\begin{aligned} \text{Ln}y_m - \text{Ln}y_t = & [\text{Ln}\alpha_0 - \text{Ln}\beta_0] + [(\alpha_1 - \beta_1) \text{Ln}X_{1t} + (\alpha_2 - \beta_2) \text{Ln}X_{2t} + \dots + \\ & (\alpha_5 - \beta_5) \text{Ln}X_{5m}] + [\alpha_1 (\text{Ln}X_{1m} - \text{Ln}X_{1t}) + \alpha_2 (\text{Ln}X_{2m} - \text{Ln}X_{2t}) + \dots + \\ & \alpha_n (\text{Ln}X_{5m} - \text{Ln}X_{5t})] + [e_m - e_t] \end{aligned}$$

سمت چپ رابطه یاد شده، تفاوت کل در بهره‌وری را به صورت درصد اضافه بر فن آوری سنتی نشان می‌دهد. در سمت راست معادله: گروه اول لگاریتم طبیعی جمله ثابت است که شکاف برخاسته از جزء خنثی فن آوری را نشان می‌دهد؛ گروه دوم نشان‌دهنده شکاف برگرفته از جزء تغییر خنثی فن آوری است که با بهره‌گیری از نهاده‌های فن آوری سنتی محاسبه می‌شود؛ گروه سوم نیز شکاف برخاسته از مصرف نهاده‌ها را نشان می‌دهد که با ضرایب شیب بهره‌وری تابع گروه دارای فن آوری نوین به دست می‌آید؛ و سرانجام گروه آخر، جمله تصادفی است که محاسبه شدنی نیست.

بحث و نتیجه‌گیری

به منظور بررسی اثر سیستم زهکشی و ارزیابی آثار آن بر تولید و بهره‌وری نهاده‌ها، از

تحلیل توابع تولید استفاده شده است. زهکشی می‌تواند دو اثر زیر را بر روی تابع تولید داشته باشد:

۱. تغییر در عرض از مبدأ تفاضلی که باعث می‌شود تا منحنی تولید باغهای دارای سیستم زهکشی همراستا با منحنی تولید باغهای زهکشی نشده انتقال یابد.

۲. تغییر در ضریب زاویه تفاضلی (تولید نهایی عوامل تولید) که باعث تغییر در شیب منحنی تولید می‌شود.

برای آزمون آثار پیشگفته و اینکه آیا سیستم زهکشی توانسته است باعث افزایش تولید شود، روش متغیر مجازی به کار رفته است. در این روش از یک متغیر مجازی عرض از مبدأ (برای مشخص کردن انتقال منحنی تولید) و متغیر مجازی شیپها (برای نشان دادن تغییرات در تولید نهایی عوامل تولید) استفاده شده است که در بخش بعد نتایج به دست آمده از برآورد تابع تولید با متغیر مجازی عرض از مبدأ و متغیر مجازی شیپها توضیح داده می‌شود.

در جدول شماره ۱ نتایج حاصل از برآورد تابع تولید باغداران ارائه شده است. مقدار ضریب تعیین تابع نشان می‌دهد که ۸۶ درصد تغییرات متغیر وابسته به وسیله این تابع و متغیرهای مستقل، توجیه پذیر است. ضریب دوربین - واتسون نیز نشان می‌دهد که میان عوامل اخلاص، خود هبستگی وجود ندارد.

جدول شماره ۱. نتایج تابع تولید بهره‌برداران خرما (مدل اول)

مقدار T	انحراف معیار	ضرایب	متغیرها
۲/۶۲۷**	۰/۷۶۷	۲/۰۱۷	عرض از مبدأ
۲/۱۴۵**	۰/۱۵۷	۰/۲۳۸	سطح زیرکشت
۱/۶۹۷*	۰/۰۱۴	۰/۰۲۴	کودهای شیمیایی
۱/۶۶۰*	۰/۰۱۸	۰/۰۲۹	کود حیوانی
۱/۹۳۷**	۰/۰۸۹	۰/۱۷۲	دوره آبیاری
۲/۷۲۳***	۰/۱۴۱	۰/۲۸۵	نیروی کار
۲/۱۷۳**	۰/۰۷۳	۰/۱۵۹	ماشین‌افزار
$R^2 = ۰/۸۶$ $D.W = ۲/۰۸۳$ $Rss = ۹/۷۱۰$ $\bar{R}^2 = ۰/۸۵$ $F = ۱۱۰/۱۳۸**$ $N = ۱۳۷$			

*: معنیداری در سطح ۱۰ درصد

** : معنیداری در سطح ۵ درصد

*** : معنیداری در سطح یک درصد

تخمین تابع تولید همراه با متغیر زهکشی (متغیر مجازی عرض از مبدأ)

برای بررسی اثر سیستم زهکشی بر تابع تولید، نخست اثر متغیر مجازی زهکشی بر عرض مبدأ مورد بررسی قرار می‌گیرد. بدین معنا که فرض شده است زهکشی می‌تواند باعث انتقال تابع تولید، بدون تغییر در شیب آن شود. برای این منظور در مدل اول، متغیر مجازی (D) با مقدار یک برای گروه اول و با مقدار صفر برای گروه دوم در نظر گرفته و دوباره تابع برآورد شده است.

نتایج به دست آمده از برآورد تابع تولید با متغیر مجازی عرض از مبدأ، در جدول شماره ۲ مشاهده می‌شود. در این مدل ۸۹ درصد از تغییرات وابسته توسط متغیرهای مستقل توضیح داده می‌شود و تمام ضرایب نیز معنی‌دار شده‌اند.

جدول شماره ۲. تابع تولید با متغیرهای مجازی عرض از مبدأ (مدل دوم)

متغیرها	ضرایب	انحراف معیار	مقدار T
عرض از مبدأ	۲/۴۶۰	۰/۸۵۴	۲/۸۸۰**
سطح زیرکشت	۰/۳۲۶	۰/۱۲۹	۲/۵۱۰**
کودهای شیمیایی	۰/۰۳۸	۰/۰۲۱	۱/۷۹۲*
کود حیوانی	۰/۰۱۵	۰/۰۱۰	۱/۴۶۲*
دوره آبیاری	۰/۱۳۹	۰/۰۸۳	۱/۶۷۹**
نیروی کار	۰/۳۱۱	۰/۱۱۸	۲/۶۲۹**
ماشین افزار	۰/۱۷۴	۰/۰۸۴	۲/۰۷۳**
متغیر مجازی زهکشی	۰/۱۳۵	۰/۰۶۲	۲/۱۶۸**
$R^2 = ۰/۸۹$ $D.W = ۱/۹۴۷$ $R_{ss} = ۹/۱۱۷$			
$\bar{R}^2 = ۰/۸۷$ $F = ۱۲۸/۳۷****$ $N = ۱۳۷$			

*: معنیداری در سطح ۱۰ درصد

**: معنیداری در سطح ۵ درصد

***: معنیداری در سطح یک درصد

برای اینکه برتری داشتن یا نداشتن تابع تولید را با متغیر مجازی سیستم زهکشی بر تابع تولید بدون متغیر مجازی آزمون کنیم، از آزمون F مقید^۱ به صورت زیر استفاده شد (۲):

$$F = \frac{(R_{ss_r} - R_{ss_{ur}}) / K - K^*}{R_{ss_{ur}} / N - K} = \frac{(۹/۷۰۱ - ۹/۱۱۷) : (۸ - ۷)}{۹/۱۱۷ : (۱۳۷ - ۷)} = ۸/۳۲$$

در رابطه بالا: R_{ss_r} و $R_{ss_{ur}}$ به ترتیب مجموع مجذور انحرافات باقیانده الگوی مقید و غیر مقید، K و K^* به ترتیب تعداد پارامترهای مدل غیر مقید و مقید، و N نیز تعداد نمونه است. چون مقدار F محاسباتی (۸/۳۲)، با در نظر گرفتن درجه آزادی در سطح یک درصد، بزرگتر از F جدول است بنابراین، تابع تولید با متغیر مجازی زهکشی بر تابع تولید بدون متغیر

1. Restricted F Value

مجازی برتری دارد.

تخمین تابع تولید با متغیر زهکشی (متغیر مجازی شیبها)

همان طور که پیش از این توضیح داده شد؛ سیستم زهکشی ممکن است افزون بر تغییر عرض از مبدأ، با تأثیر بر روی تولید نهایی عوامل تولید، باعث تغییر شیب منحنی تولید نیز شود. در جدول شماره ۳ نتایج به دست آمده از برآورد تابع تولید با متغیر مجازی شیبها نشان داده شده است.

جدول شماره ۳. تابع تولید با متغیر مجازی شیبها (مدل سوم)

مقدار T	انحراف معیار	ضرایب	متغیرها
۲/۷۷۶***	۰/۷۵۹	۲/۸۶۷	عرض از مبدأ
۲/۲۸۸**	۰/۱۱۷	۰/۲۶۸	سطح زیرکشت
۱/۳۷۵*	۰/۰۳۹	۰/۰۵۳	کودهای شیمیایی
۱/۷۵۱*	۰/۰۲۴	۰/۰۴۲	کود حیوانی
۳/۱۴۵***	۰/۰۶۹	۰/۲۱۹	دوره آبیاری
-۳/۳۷۲***	۰/۰۲۵	-۰/۰۸۵	نیروی کار
۱/۹۸۵**	۰/۱۹۷	۰/۳۹۱	ماشین افزار
۰/۹۷۴	۰/۱۸۹	۰/۱۸۵	متغیر مجازی شیبها برای سطح زیرکشت
۱/۸۰۴*	۰/۰۵۲	۰/۰۹۴	کودهای شیمیایی
۰/۷۳۸	۰/۰۵۹	۰/۰۴۴	کود حیوانی
۳/۹۴۹***	۰/۱۱۴	۰/۳۳۷	دوره آبیاری
۳/۰۸۵**	۰/۰۶۳	۰/۱۹۵	نیروی کار
-۱/۳۶۳	۰/۱۲۷	-۰/۱۷۴	ماشین افزار
$R^2 = ۰/۸۹$	D.W = ۱/۶۴۹	Rss = ۸/۰۳۵	
$R^2 = ۰/۸۸$	F = ۱۳۵/۴۷۲***	N = ۱۳۷	

*: معنیداری در سطح ۱۰ درصد

** : معنیداری در سطح ۵ درصد

*** : معنیداری در سطح یک درصد

برای مشخص کردن اثر زهکشی باغها بر تولید نهایی متغیرها (MP) نیز با استفاده از فرمول F مقید، مدل‌های اول و سوم به ترتیب به عنوان مدل مقید و مدل غیرمقید با هم مقایسه شدند.

$$F = \frac{(9/701 - 8/035) : 6}{8/035 (137 - 13)} = 4/29$$

چون F محاسبه شده، با در نظر گرفتن درجه آزادی در سطح یک درصد، از مقدار F جدول بزرگتر است بنابراین، مدل سوم بر مدل اول برتری دارد؛ بدین معنا که زهکشی سبب تغییر در شیب تابع تولید نیز می‌شود.

به طور کلی نتایج نشان می‌دهند که عرض از مبدأ و ضریب زاویه (تولید نهایی عوامل تولید) از نظر آماری معنی‌دارند. این معنی‌دار بودن، بر متفاوت بودن رگرسیون‌های دو گروه دلالت دارد؛ بنابراین، مدل دوم و سوم را می‌توان دو رگرسیون برای گروه‌های اول و دوم در نظر گرفت.

توابع تولید بهره‌برداران گروه اول و دوم

در جدول شماره ۴، خلاصه نتایج مربوط به برآورد توابع تولید دو گروه از بهره‌برداران و همچنین برآورد تابع تولید مربوط به کل نمونه نشان داده شده است.

بر اساس تابع تولید برآورد شده، هر یک از ضرایب به دست آمده موافق انتظارات نظری بوده و اثر تمام نهاده‌ها برای دو گروه بر روی تولید مثبت است. در تابع تولید کاب-داگلاس ضرایب مربوط به نهاده‌های متغیر، نشان‌دهنده کشش تولید نسبت به عوامل تولید است. همان‌طور که در جدول شماره ۴ ملاحظه می‌شود، کشش تولید نسبت به نهاده نیروی کار بالاترین مقدار را دارد و بدین مفهوم است که به ازای یک درصد تغییر در هزینه نیروی کار، میزان تولید به اندازه ۰/۳۸۸ درصد برای گروه اول و به مقدار ۰/۳۶۱ درصد برای گروه دوم تغییر می‌کند. بالا بودن کشش نیروی کار نشان‌دهنده کاربرد بودن این محصول است، زیرا بسیاری از عملیات مربوط به کاشت، داشت و برداشت محصول یاد شده همچون: هرس کردن، گرده‌افشانی، آرایش

خوشه‌ها و شخم‌زدن با بیل به وسیله نیروی کار انجام می‌گیرد.

جدول شماره ۴. خلاصه نتایج مربوط به برآورد توابع تولید

متغیرهای مستقل	زهکشی شده	زهکشی نشده	کل نمونه
عرض از مبدأ	۲/۶۱۴*** (۰/۷۹۹)	۲/۳۵۱*** (۰/۸۷۴)	۲/۰۱۷۴** (۰/۷۶۷)
سطح زیرکشت	۰/۳۵۷** (۰/۱۳۷)	۰/۳۲۹** (۰/۱۶۱)	۰/۳۳۸** (۰/۱۵۷)
کودهای شیمیایی	۰/۰۲۹** (۰/۰۱۲)	۰/۰۱۳ (۰/۰۱۸)	۰/۰۲۴ (۰/۰۱۴)
کود حیوانی	۰/۰۳۶** (۰/۰۲۰)	۰/۰۲۱* (۰/۰۱۳)	۰/۰۲۹* (۰/۰۱۸)
دوره آبیاری	۰/۲۱۵** (۰/۰۹۴)	۰/۱۲۶ (۰/۱۲۱)	۰/۱۷۲** (۰/۰۸۹)
نیروی کار	۰/۳۸۸*** (۰/۱۲۸)	۰/۳۶۱*** (۰/۱۵۹)	۰/۳۸۵** (۰/۱۴۱)
ماشین‌افزار	۰/۱۰۸** (۰/۰۵۴)	۰/۲۵۹** (۰/۱۰۱)	۰/۱۵۹** (۰/۰۷۳)
R^2	۰/۸۱	۰/۷۴	۰/۸۶
\bar{R}^2	۰/۸۰	۰/۷۲	۰/۸۵
مقدار F	۷۱/۶۴	۶۵/۲۶	۱۱۰
مقدار D.W	۱/۷۲۲	۲/۱۶۳	۲/۰۸۳
اندازه نمونه	۱۰۱	۳۶	۱۳۷

*: معنیداری در سطح ۱۰ درصد

** : معنیداری در سطح ۵ درصد

*** : معنیداری در سطح یک درصد

عددهای درون پرانتز، انحراف معیار را نشان می‌دهند

پس از نهاده نیروی کار، بیشترین ضریب کشش مربوط به سطح زیرکشت است. ضرایب

مربوط به این دو نهاده نشان می‌دهد که افزایش تولید خرما به مقدار زیادی به افزایش سطح زیرکشت و نیروی کار بستگی دارد. کشش تولید نسبت به نهاده‌های ماشین‌افزار، دوره آبیاری، کودشیمیایی و کود حیوانی در سطح پایین‌تری قرار دارد که در مجموع نشان‌دهنده تأثیر کمتر آنها، نسبت به نهاده نیروی کار، بر میزان تولید است.

مقدار بالای R^2 در هر دو تابع نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل در گروه اول ۸۱ درصد و در گروه دوم ۷۴ درصد تغییرات متغیر وابسته را توجیه کرده‌اند. F به دست آمده نیز انتخاب مناسب این متغیرها و معنی‌دار بودن کل رگرسیون را در سطح یک درصد بیان می‌کند. همچنین مقادیر آماره دورین - واتسون نشان‌دهنده نبود خود همبستگی میان جملات پسماند است. در توابع تولید هر دو گروه از بهره‌برداران، مقدار عرض از مبدأ از نظر آماری معنی‌دار شده است، ولی در گروه اول مقدار عرض از مبدأ بیشتر از گروه دوم است. این مسئله نشان می‌دهد که زهکشی زمین‌ها باعث به وجود آمدن تابع تولید مرزی (حرکت تابع تولید به سوی بالا) می‌شود. با توجه به مقدارهای t به دست آمده، تمامی متغیرهای مستقل در تابع تولید مربوط به گروه اول معنی‌دار شده، ولی در گروه دوم متغیرهای کودشیمیایی مصرف شده و تعداد دفعات آبیاری معنی‌دار نشده است. مقایسه ضرایب دو گروه نیز نشان می‌دهد که تنها ضریب مربوط به متغیر هزینه ماشین‌افزار در گروه دوم (باغهای بدون سیستم زهکشی) بیشتر از گروه اول است، در حالی که برای نهاده‌های دیگر، کشش تولید در گروه اول بیشتر از گروه دوم است. همچنین ضرایب کوچکتر از یک و با علامت مثبت در هر دو گروه، نشان‌دهنده استفاده بهره‌برداران از نهاده‌ها در ناحیه دوم تولید است.

در ارتباط با کل بهره‌برداران نیز ملاحظه می‌شود که متغیرهای سطح زیرکشت، میزان کود شیمیایی، دوره آبیاری، نیروی کار و ماشین‌افزار مصرفی، معنی‌دار شده‌اند و اثر هر یک از عوامل پیشگفته بر روی میزان تولید مثبت است. افزون بر این، درجه همگنی در توابع برآورد شده نشان می‌دهد، در هر دو گروه بازده افزایشی نسبت به مقیاس وجود دارد؛ به دیگر سخن، چنانچه در هر یک از دو گروه همه نهاده‌ها به اندازه یک درصد اضافه شوند، میزان تولید بیشتر

از یک درصد افزایش می‌یابد.

بهره‌وری نهاده‌ها در گروه اول

در جدول شماره ۵ مقادیر میانگین بهره‌وری متوسط و بهره‌وری نهایی هر یک از نهاده‌های مربوط به گروه بهره‌بردارهای دارای سیستم زهکشی نشان داده شده است.

جدول شماره ۵. مقادیر میانگین، حداقل و حداکثر بهره‌وری متوسط و نهایی گروه اول

بهره‌وری نهایی			بهره‌وری متوسط			عوامل تولید
حداکثر	حداقل	میانگین	حداکثر	حداقل	میانگین	
۲/۰۹۲	۱/۵۵۶	۱/۸۵۶	۵/۸۶۰	۴/۳۵۰	۵/۲۰۰	سطح زیرکشت
۰/۰۰۳	۰/۰۰۴	۰/۰۰۱	۰/۱۰۷	۰/۰۱۶	۰/۰۳۶	کود شیمیایی
۰/۶۶۲	۰/۰۳۹	۰/۲۱۰	۱۸/۱۴	۱/۰۷۶	۵/۷۷۷	کود حیوانی
۰/۲۲۷	۰/۱۵۹	۰/۱۸۶	۱/۰۴۰	۰/۷۴۲	۰/۸۶۶	دوره آبیاری
۰/۰۰۵	۰/۰۰۱	۰/۰۰۲	۰/۰۱۲	۰/۰۰۴	۰/۰۰۷	نیروی کار
۰/۰۰۷	۰/۰۰۲	۰/۰۰۳	۰/۰۶۵	۰/۰۲۰	۰/۰۳۱	ماشین‌افزار

مأخذ: نتایج تحقیق

همان‌طور که از جدول شماره ۵ پیداست، بالاترین بهره‌وری متوسط، مربوط به نهاده کود حیوانی (۵/۷۷) است و پس از آن، نهاده زمین (سطح زیرکشت) بالاترین بهره‌وری متوسط را دارد؛ به بیان دیگر با افزودن یک واحد (هکتار) به سطح زیرکشت، به طور متوسط ۵/۲۷ تن به محصول تولیدی اضافه می‌شود که حداقل این مقدار ۴/۳۵ و حداکثر آن ۵/۸۶ تن است. در مورد بهره‌وری نهایی نیز بالاترین مقدار مربوط به نهاده زمین (سطح زیرکشت) و کمترین مقدار مربوط به نهاده کود شیمیایی است؛ بدین معنا که به ازای آخرین واحد از مصرف کود شیمیایی، به طور متوسط ۰/۰۰۱ تن به محصول خرما افزوده می‌شود.

بهره‌وری نهاده‌ها در گروه دوم

میانگین بهره‌وری متوسط و نهایی هر یک از عوامل تولید خرما که با استفاده از تابع تولید بهره‌برداران گروه دوم (باغهای زهکشی نشده) محاسبه شد، در جدول شماره ۶ آمده است. در این گروه بالاترین میزان بهره‌وری متوسط مربوط به نهاده کود حیوانی و پس از آن مربوط به نهاده زمین (سطح زیرکشت) است. حداقل بهره‌وری متوسط نیز مربوط به نهاده کودشیمیایی است. به بیان دیگر با به کارگیری یک واحد (کیلوگرم) کودشیمیایی، به طور متوسط ۲۳ کیلوگرم در هکتار به محصول خرما افزوده می‌شود. در مورد بهره‌وری نهایی نیز بالاترین میزان بهره‌وری نهایی مربوط به نهاده زمین و مقدار آن برابر $1/332$ است؛ به دیگر سخن، به ازای یک واحد تغییر در میزان سطح زیرکشت، مقدار تولید به طور متوسط به اندازه $1/332$ واحد تغییر خواهد کرد.

جدول شماره ۶ مقادیر میانگین، حداقل و حداکثر بهره‌وری متوسط و نهایی گروه دوم

بهره‌وری نهایی			بهره‌وری متوسط			عوامل تولید
حداکثر	حداقل	میانگین	حداکثر	حداقل	میانگین	
۱/۰۵۹	۱/۰۹۴	۱/۳۳۲	۴/۵۸۷	۳/۳۳۷	۴/۰۴۸	سطح زیرکشت
۰/۰۰۰۷	۰/۰۰۱	۰/۰۰۳	۰/۰۵۴	۰/۰۰۹	۰/۰۲۳	کود شیمیایی
۰/۶۰۰	۰/۰۲۷	۰/۱۵۷	۲۱/۵۲	۱/۲۸۳	۷/۳۲۵	کود حیوانی
۰/۱۲۷	۰/۰۸۵	۰/۱۰۲	۱/۰۱۲	۰/۶۸۵	۰/۸۱۰	دوره آبیاری
۰/۰۰۲	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۶	۰/۰۰۳	۰/۰۰۴	نیروی کار
۰/۰۱۲	۰/۰۰۳	۰/۰۰۷	۰/۰۴۹	۰/۰۱۴	۰/۰۲۷	ماشین‌افزار

مأخذ: نتایج تحقیق

میانگین بهره‌وری متوسط و بهره‌وری نهایی هر یک از نهاده‌های تولید خرما در دو گروه مورد مطالعه از بهره‌برداران (دارای سیستم زهکشی و بدون سیستم زهکشی) در جدول شماره ۷

ارائه و با هم مقایسه شده است.

جدول شماره ۷. مقایسه میانگین بهره‌وری متوسط و نهایی دو گروه مورد بررسی

بهره‌وری نهایی		بهره‌وری متوسط		نهاده‌های تولید
گروه دوم	گروه اول	گروه دوم	گروه اول	
۱/۳۳۲	۱/۸۵۶	۴/۰۴۸	۵/۲۰۰	سطح زیرکشت
۰/۰۰۰۳	۰/۰۰۰۱	۰/۰۲۳	۰/۰۳۶	کود شیمیایی
۰/۱۵۷	۰/۲۱۰	۷/۲۳۵	۵/۷۷۷	کود حیوانی
۰/۱۰۲	۰/۱۸۶	۰/۸۱۰	۰/۸۶۶	دوره آبیاری
۰/۰۰۱	۰/۰۰۰۲	۰/۰۰۰۴	۰/۰۰۰۷	نیروی کار
۰/۰۰۰۷	۰/۰۰۰۳	۰/۰۲۷	۰/۰۳۱	ماشین‌افزار

مأخذ: نتایج تحقیق

همان‌طور که از جدول شماره ۷ پیداست، بهره‌وری متوسط نهاده‌های زمین، کود شیمیایی، دوره آبیاری، نیروی کار و ماشین‌افزار در گروه اول بیشتر از گروه دوم و برعکس بهره‌وری متوسط نهاده کود حیوانی در گروه دوم بیشتر از گروه اول است.

در زمینه بهره‌وری نهایی نیز باید گفت: میانگین بهره‌وری نهایی هر یک از نهاده‌های تولید (به جز نهاده ماشین‌افزار به کارگیری شده) در گروه باغهای دارای سیستم زهکشی، بیشتر از گروه باغهای زهکشی نشده است؛ همچنان که ملاحظه می‌شود بهره‌وری نهایی زمین در گروه اول نزدیک به $۰/۵۲۴$ ($۰/۵۲۴ = ۱/۳۳۲ - ۱/۸۵۶$) واحد بیشتر از بهره‌وری نهایی زمین در گروه دوم است؛ به بیانی دیگر، با افزودن یک واحد (هکتار) به سطح زیرکشت در هر دو گروه؛ میزان تولید در گروه اول ۵۲۴ کیلوگرم بیشتر از گروه دوم افزایش خواهد یافت. در مورد استفاده از کودهای شیمیایی و حیوانی نیز، بهره‌وری هر دو گروه از باغداران مثبت، ولی مقادیر آن در گروه بهره‌بردارهای دارای سیستم زهکشی بیشتر از گروه دوم است، به طوری که به ازای

یک واحد افزایش در مصرف کودهای شیمیایی و کود حیوانی، میزان تولید به ترتیب در گروه اول $0/001$ و $0/21$ واحد، و در گروه دوم $0/0003$ و $0/157$ واحد (تن) افزایش خواهد یافت. درباره بهره‌وری آب نیز باید افزود که بهره‌وری نهایی آن در گروه باغهای دارای سیستم زهکشی بیشتر از گروه بدون سیستم زهکشی است، به طوری که به ازای یکبار آبیاری بیشتر در هر دو گروه، میزان تولید در گروه اول ۸۴ کیلوگرم در هکتار بیشتر از گروه دوم افزایش می‌یابد. به طور خلاصه، مقایسه بهره‌وری دو گروه مورد مطالعه نشان می‌دهد که مدیران باغهای خرماي زهکشی شده، به صورت منطقی‌تری از نهاده‌های تولید استفاده می‌کنند. ولی در مجموع می‌توان گفت که باغداران خرما با افزایش بهره‌وری نهاده‌ها می‌توانند از هدر رفتن منابع جلوگیری کنند و با کاهش متوسط هزینه تولید خرما نیز درآمد بیشتری به دست آورند.

تجزیه اختلاف بهره‌وری

به منظور تجزیه اختلاف بهره‌وری کل میان بهره‌بردارهای دارای سیستم زهکشی (گروه اول) و بهره‌بردارهای بدون سیستم زهکشی (گروه دوم)، به منابع تشکیل دهنده آن، می‌باید تابع تولید به واحد سطح (هکتار) تبدیل شود. بنابراین، تابع عملکرد در هکتار برای هر یک از دو گروه و برای کل نمونه برآورد شد که خلاصه نتایج آن در جدول شماره ۸ نشان داده شده است. همان طور که در جدول شماره ۸ مشاهده می‌شود، عرض از مبدأ در هر دو گروه معیندار شده، ولی مقدار عرض از مبدأ در گروه دارای سیستم زهکشی، بیشتر از گروه بدون سیستم زهکشی است؛ همین مسئله، در اثر تغییر فن‌آوری (سیستم زهکشی)، باعث انتقال تابع تولید به سوی بالا شده است.

بر اساس توابع تولید برآورد شده، متغیر نیروی کار در گروه اول در سطح ۵ درصد و متغیرهای ماشین‌افزار و کود شیمیایی در سطح ۱۰ درصد و با علامت مثبت معیندار شده‌اند. ولی در همین گروه متغیرهای کود حیوانی و تعداد دفعات آبیاری علامت مثبت دارند ولی از نظر آماری معیندار نیستند.

جدول شماره ۸. خلاصه نتایج مربوط به برآورد توابع عملکرد در هکتار

ضرایب رگرسیون			متغیرهای مستقل
گروه سوم	گروه دوم	گروه اول	
۲/۱۵۳** (۰/۸۲۹)	۱/۴۶۷** (۰/۷۷۲)	۲/۷۸۴*** (۰/۸۴۹)	عرض از مبدأ
۰/۰۳۷* (۰/۰۲۲)	۰/۰۴۷* (۰/۰۲۹)	۰/۳۰۱* (۰/۰۱۸۹)	کودهای شیمیایی
۰/۰۵۹* (۰/۰۳۷)	۰/۱۳۷ (۰/۱۱۲)	۰/۰۳۸ (۰/۰۳۹)	کود حیوانی
۰/۰۴۸ (۰/۰۷۵)	۰/۰۱۰ (۰/۰۳۷)	۰/۰۵۳ (۰/۰۹۷)	دوره آبیاری
۰/۳۸۱*** (۰/۱۳۹)	۰/۵۲۹*** (۰/۱۵۷)	۰/۳۵۱** (۰/۱۳۳)	نیروی کار
۰/۱۲۹* (۰/۰۹۱)	۰/۱۵۷* (۰/۱۱۱)	۰/۱۲۳* (۰/۰۷۵)	ماشین افزار
۰/۵۳	۰/۴۹	۰/۵۷	R^2
۰/۴۹	۰/۴۷	۰/۵۵	\bar{R}^2
۵۹***	۳۱***	۴۸***	مقدار F
		۳/۹۷***	مقدار F چاو
۱۳۷	۳۶	۱۰۱	اندازه نمونه

*: معنیداری در سطح ۱۰ درصد

** : معنیداری در سطح ۵ درصد

***: معنیداری در سطح یک درصد

عددهای درون پرانتز، انحراف معیار را نشان می‌دهند

در ارتباط با گروه دوم نیز گفتنی است که متغیرهای کود شیمیایی و ماشین‌افزار در سطح ۱۰ درصد و متغیر نیروی کار در سطح یک درصد و با علامت مثبت معنیدار شده‌اند. همچنین در این گروه متغیرهای کود حیوانی و تعداد دفعات آبیاری از نظر آماری معنیدار نشده‌اند. بررسی کشش‌های تولید در گروه دارای سیستم زهکشی و گروه بدون سیستم زهکشی نشان می‌دهد که

کشش تولیدی نهاده‌های کود حیوانی، نیروی کار و ماشین‌افزار در گروه دوم (باغهای زهکشی نشده) بیشتر از گروه اول است و بر عکس در مورد نهاده‌های کود شیمیایی و دوره آبیاری، ضریب کشش این دو نهاده در گروه اول بزرگتر از گروه دوم است؛ به بیان دیگر، مصرف افزونتر این دو نهاده، مقدار تولید را در گروه اول بیشتر از گروه دوم افزایش می‌دهد.

همچنین نتایج آزمون مقایسه دو رگرسیون (آزمون چاو)^۱ نشان می‌دهد که میان دو رگرسیون برآورد شده در سطح یک درصد تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

$$F = \frac{Rss_1 - (Rss_2 - Rss_3) / K}{(Rss_2 - Rss_3) / (N_1 - N_2 - 2K)} = \frac{۱/۰۸۸ : ۶}{۵/۶۸۲ : ۱۲۵} = ۳/۹$$

تابع تولید کل بهره‌برداران نیز نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل، ۵۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توجیه می‌کنند. مقدار آماره F نیز معنی‌دار شدن کل رگرسیون را در سطح یک درصد نشان می‌دهد. همچنین در این تابع، متغیر نیروی کار در سطح یک درصد و متغیرهای کود شیمیایی، کود حیوانی و ماشین‌افزار در سطح ۱۰ درصد معنی‌دار شده‌اند و تأثیر آنها بر روی بهره‌وری نیز مثبت است. ولی در همین گروه، متغیر تعداد دفعات آبیاری، همچون دو مدل پیشین، علامت مثبت دارد ولی از نظر آماری معنی‌دار نیست.

منابع اختلاف بهره‌وری

نتایج به دست آمده از تحلیل منابع اختلاف بهره‌وری، در جدول شماره ۹ ارائه شده است. این نتایج نشان می‌دهد که در دو گروه مورد مطالعه، میان اختلاف در بهره‌وری مشاهده شده (۲۵/۰۴) و بهره‌وری برآورد شده (۲۵/۷۹)، تفاوت اندکی (حدود ۰/۷ درصد) وجود دارد. این مقدار تفاوت، به جمله خطای تصادفی نسبت داده می‌شود. در این زمینه می‌توان متغیرهایی را که وارد مدل نشده‌اند (بویژه مدیریت نهاده‌ها) از عوامل این اختلاف برشمرد.

تفاوت فن‌آوری (سیستم زهکشی) و تفاوت مربوط به مصرف نهاده‌ها، ۲۵/۷۹ درصد اختلاف بهره‌وری کل میان دو گروه بهره‌بردارهای دارای سیستم زهکشی و بدون سیستم

زهکشی را تشکیل می‌دهد. از این مقدار، ۲۳/۹۲ درصد مربوط به جزء فن‌آوری (سیستم زهکشی) است. این موضوع نشان می‌دهد که در سطح کنونی مصرف نهاده‌ها در گروه دوم (بدون سیستم زهکشی)، بهره‌وری می‌تواند به اندازه ۲۳/۹۲ درصد افزایش یابد به شرط آن که بهره‌برداران این گروه باغهای خود را زهکشی کنند؛ به بیان دیگر، بدون افزایش نهاده‌ها و با بهره‌گیری از سیستم زهکشی، میزان محصول به اندازه چشمگیری افزایش می‌یابد.

جدول شماره ۹. تجزیه کل اختلاف بهره‌وری میان دو گروه مورد مطالعه

درصد تأثیر		منابع اختلاف بهره‌وری
کل	جزء	
۲۵/۰۴		۱. کل اختلاف مشاهده شده در بهره‌وری
۲۳/۹۲		۲. اختلاف برگرفته از فن‌آوری
	۱۴۰/۶۴	الف) اختلاف فن‌آوری خنثی
	-۱۱۶/۷۲	ب) اختلاف فن‌آوری غیرخنثی
	۸/۲۷	- کود شیمیایی
	۵/۶۹	- کود حیوانی
	۷/۰۱	- دوره آبیاری
	-۱۲۰/۴۰	- نیروی کار مصرفی
	-۱۷/۲۹	- ماشین‌افزار مورد استفاده
۱/۸۷		۳. اختلاف برگرفته از سطوح مصرف نهاده‌ها
	-۰/۵۶	- کودهای شیمیایی
	۱/۸۴	- کود حیوانی
	۰/۹۸	- دوره آبیاری
	-۱/۳۱	- نیروی کار مصرفی
	۰/۹۲	- ماشین‌افزار مورد استفاده
۲۵/۷۹		۴. کل اختلاف برآورد شده در بهره‌وری (برخاسته از کل منابع)

مأخذ: یافته‌های تحقیق

هیچنین اگر بهره‌برداران گروه دوم همزمان سطح نهاده‌های مصرفی خود را به سطح نهاده‌های مصرفی در بهره‌برداریهای دارای سیستم زهکشی برسانند، در این صورت، بهره‌وری آنها به اندازه $1/87$ درصد دیگر افزایش می‌یابد و از $23/92$ درصد به $25/79$ درصد خواهد رسید.

تأثیر جزء فن آوری خنثی در اختلاف بهره‌وری نیز به 14 درصد می‌رسد. تأثیر مثبت این جزء از فن آوری نشان‌دهنده این واقعیت است که با سطح کنونی مصرف نهاده‌ها در گروه دوم، باغداران می‌توانند با بهره‌گیری از این سیستم، که باعث افزایش کارایی نهاده‌های ثابت نگه داشته می‌شود، سطح بهره‌وری نهاده‌ها را به اندازه 14 درصد افزایش دهند.

تأثیر جزء فن آوری غیر خنثی به اختلاف کل، برعکس جزء خنثی فن آوری، که تأثیر آن در اختلاف بهره‌وری رقی مثبت و بالا بود ($140/64$)، رقی منفی و حدود 116 - درصد است. به دیگر سخن، در صورتی که باغهای خرماي زهکشی نشده از سیستم زهکشی برخوردار شوند در این شرایط شکاف بهره‌وری میان دو گروه به میزان 116 - درصد کاهش خواهد یافت.

نهاده‌های نیروی کار و ماشین‌افزار به کار رفته در مراحل مختلف تولید، دو عامل اصلی جزء فن آوری غیرخنثی به شمار می‌آیند که تأثیر منفی در اختلاف بهره‌وری کل دارند. این دو نهاده، روی هم رفته، کاهش به میزان $137/69$ درصد در شکاف بهره‌وری میان دو گروه بهره‌برداریهای دارای سیستم زهکشی و بدون سیستم زهکشی پدید می‌آورند. بنابراین در صورتی که باغداران، باغهای خود را زهکشی کنند، بر کارایی این دو نهاده (نیروی کار و ماشین‌افزار) افزوده می‌شود در این صورت بهره‌وری گروه دارای سیستم زهکشی نیز به طور مؤثری افزایش پیدا می‌کند و در نتیجه شکاف بهره‌وری میان این دو گروه از بهره‌برداران فزونی می‌یابد. بنابراین با توجه به ضرایب کشش این دو نهاده و بزرگتر بودن آنها در گروه دوم، مصرف افزونتر هر یک از نهاده‌های نیروی کار و ماشین‌افزار، می‌تواند بهره‌وری را در باغهای زهکشی نشده نسبت به باغهای زهکشی شده با سرعت بیشتری افزایش دهد.

از سوی دیگر، نهاده‌های کود شیمیایی، آبیاری و کود حیوانی از عوامل تشکیل‌دهنده

جزء فن آوری غیرخنتی به شمار می آیند که در مجموع تأثیر مثبتی (حدود ۲۰/۷۹ درصد) در اختلاف بهره‌وری میان دو گروه دارند. بنابراین، سه نهاد: کودشیمیایی، کود حیوانی و آب مصرفی، همراه با هم می‌توانند حدود ۲۰/۹۷ درصد، شکاف بهره‌وری میان دو گروه را افزایش دهند.

همچنین نتایج مربوط به تجزیه بهره‌وری میان دو گروه مورد مطالعه نشان می‌دهد که تأثیر کل اختلاف برگرفته از سطوح مصرف نهاده‌های کودشیمیایی، کود حیوانی، آب، نیروی کار و ماشین‌افزار به کار رفته در شکاف بهره‌وری دو گروه (دارای سیستم زهکشی و بدون سیستم زهکشی)، ۱/۸۷ درصد است. به دیگر سخن، اگر باغداران در گروه دوم، سطح نهاده‌های مصرفی پیشگفته را به سطح نهاده‌های مصرفی گروه دارای سیستم زهکشی برسانند در این صورت بهره‌وری در باغهای زهکشی نشده به اندازه ۱/۸۷ درصد افزایش خواهد یافت. در مقایسه با اختلاف برگرفته از فن آوری (۲۳/۹۲)، اختلاف مربوط به سطح مصرف نهاده‌ها رقم پایینی است؛ به بیان دیگر سیستم زهکشی، عامل اصلی اختلاف در میزان بهره‌وری دو گروه مورد بررسی به شمار می‌آید.

پیشنهاده‌ها

- بر اساس نتایج به دست آمده از این پژوهش، موارد زیر پیشنهاد می‌شود:
۱. با توجه به تأثیر مثبت سیستم زهکشی بر روی تولید خرما و نیز بهره‌وری نهاده‌ها، توصیه می‌شود که عملیات زهکشی روباز و زیرزمینی باغها با اعتبار و توان بیشتری انجام گیرد.
 ۲. استفاده مطلوبتر از نهاده‌های نیروی کار و ماشین‌افزار کشاورزی می‌تواند به افزایش کارایی این دو نهاد کمک کند و باعث افزایش بهره‌وری نیز شود.
 ۳. با توجه به کمبود آب در منطقه و ضریب مثبت آبیاری در توابع تولید، استفاده بهینه و مطلوبتر از منابع آب و ترویج روشهای نوین آبیاری، بویژه آبیاری قطره‌ای، امری ضروری به نظر می‌رسد.

۴. از آنجا که در سطح کنونی مصرف نهاده‌ها می‌توان با بهره‌گیری از سیستم زهکشی میزان تولید را افزایش داد؛ بنابراین به منظور آگاهی باغداران از منافع زهکشی و آشنایی با شیوه کار سیستم، باید آموزشهای لازم به باغداران داده شود.

منابع

۱. آمارنامه کشاورزی (۱۳۷۶ - ۷۷). اداره آمار و اطلاعات و بانک اطلاعات کشاورزی، وزارت کشاورزی.

۲. ابریشمی، ح (۱۳۷۲). مبانی اقتصادسنجی (تألیف دامودار گجراتی)، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران.

۳. سازمان برنامه و بودجه (۱۳۷۶). آمارنامه استان بوشهر.

۴. کوپاهی، م و م، کاظم‌نژاد (۱۳۷۵). محاسبه بهره‌وری عوامل تولید چای با استفاده از تابع تولید، مجموعه مقالات اولین کنفرانس اقتصاد کشاورزی، دانشکده کشاورزی زابل، دانشگاه سیستان و بلوچستان.

5. Bisaliah, S. (1977). Decomposition analysis of output change : Under new production technology in wheat farming: Some implications returns on research investment. *Indian Journal of Agricultural Economics*, 32(3): 93-201.

6. Kiresur, U, Pandey, R.K. and Mruthyunjaya. (1995). Technological change in Sorghum production: A econometrica study of Dharward farms in Karnataka. *Indian Journal of Agricultural Economics*, 50(2): 185-191.